



Studying the Factors Affecting Cultural and Social Cohesion of Azeri Residents of Nowshahr (Case Study: Migrants from Mianeh)

Fatemeh Norouzi¹ | Amir Hashemi Moghaddam[✉]

1. Fatemeh Norouzi: Bachelor of Anthropologist, Faculty of Cultural Heritage, University of Mazandaran.
norouzfateme25@gmail.com
2. Assistant Professor of Anthropology, Faculty of Cultural Heritage, University of Mazandaran (Responsible Author)
moghaddames@umz.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received 25 November 2025
Received in 3 January 2026
Accepted 16 January 2026
Published online 14 April 2026

Keywords:

Anthropology of ethnicity,
ethnic borders , immigration ,
Nowshahr
Azeris of Mianeh, Frederick
Barth

ABSTRACT

Iran has cultural diversity on the one hand, and on the other hand, there is a colorful intertwining in this diversity; in such a way that sometimes drawing a boundary between these diversities is very difficult and even impossible. This cultural intertwining of Iranians can have many reasons, one of which is immigration.

In this regard, Mazandaran province has been the destination of many immigrants and exiles over the past two centuries; whether during the Qajar period, for example, when groups of Kurds were moved to this province for control, or Azeri who migrated to this province from the Pahlavi period onwards to work, or the relatively widespread immigration from all over Iran to this province in the last decade due to the favorable climate. One of these groups is the Azeri from Mianeh, who have migrated and settled in Nowshahr for about five decades. This study was conducted to measure the degree of solidarity or separation of this immigrant group from the natives of Nowshahr.

The research data collection method was based on in-depth interviews with 18 Azeri people of Nowshahr. The results of this study, using Barth's theory of ethnic groups and borders, have shown that, firstly, Azeri people living in Nowshahr have a coherent and regular organization, apart from ethnic identity, and secondly, several positive and negative factors have influenced the formation of this organization and its maintenance and strengthening. Among the most important factors influencing this organization are the attachment to the homeland and mother tongue on the one hand and the feeling of discrimination on the other.

Cite this article: Norouzi, Fatemeh¹ Hashemi Moghaddam, Amir (2026). Studying the Factors Affecting Cultural and Social Cohesion of Azeri Residents of Nowshahr (Case Study: Migrants from Mianeh). *Sociological Review (Social Science Letter)*, 32 (2), 7-24.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.393102.2075>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.393102.2075>

بررسی عوامل موثر بر انسجام فرهنگی و اجتماعی آذری‌های مقیم نوشهر (نمونه موردی: مهاجران میانه‌ای)

فاطمه نوروزی^۱ | امیر هاشمی مقدم^۲

۱. لیسانس مردم‌شناسی، دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، دانشگاه مازندران. norouzfateme25@gmail.com
 ۲. استادیار انسان‌شناسی، دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) moghaddames@umz.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۲۵</p>	<p>ایران از یکسو دارای تنوع فرهنگی است و از سوی دیگر درهم‌تنیدگی پر رنگی در این تنوع دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که گاهی مرز کشیدن میان این تنوعات، امری بس دشوار و بلکه ناممکن است. این درهم‌تنیدگی فرهنگی ایرانیان می‌تواند دلایل بسیاری داشته باشد که مهاجرت یکی از آنهاست.</p> <p>در همین راستا، استان مازندران در طول دو سده اخیر، مقصد بسیاری از مهاجران و تبعیدیان بوده است؛ چه در دوره قاجار که مثلا گروه‌هایی از کردها برای کنترل شدن به این استان کوچانده شدند، چه آذری‌هایی که از دوره پهلوی به بعد برای کار به این استان مهاجرت کردند، و چه مهاجرت‌های نسبتا گسترده از سراسر ایران به این استان در دهه اخیر به دلیل آب و هوای مساعد. یکی از این گروه‌ها، آذری‌های شهر میانه‌اند که از حدود پنج دهه پیش به این سو به نوشهر مهاجرت کرده و ساکن شده‌اند. این پژوهش در پی سنجش میزان همبستگی یا جدایی‌گزینی این گروه مهاجر با بومیان نوشهری انجام شده است.</p> <p>روش گردآوری داده‌های پژوهش مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق با ۱۸ نفر از آذری‌های نوشهر بوده است. از نتایج این پژوهش با استفاده از نظریه گروه‌های قومی و مرزهای بارث روشن شده که اولاً آذری‌های مقیم نوشهر جدای از هویت قومی، دارای تشکیلاتی منسجم و منظم هس تند و ثنیا عوامل مثبت و منفی متعددی بر شکل‌گیری این تشکیلات و حفظ و تقویت آن اثرگذار بوده است. از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر این تشکیلات، عرق به سرزمین و زبان مادری از یک‌سو و احساس تبعیض از سوی دیگر بوده است.</p>

کلیدواژه‌ها:

انسان‌شناسی قومیت،
مرزهای قومی،
مهاجرت، نوشهر،
آذری‌های میانه،
فردریک بارث.

استناد: نوروزی، فاطمه؛ هاشمی مقدم، امیر (۱۴۰۴). بررسی عوامل موثر بر انسجام فرهنگی و اجتماعی آذری‌های مقیم نوشهر (نمونه موردی: مهاجران میانه‌ای). مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۳۲ (۲)، ۷-۲۴.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.393102.2075>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه و بیان مسئله

در دوران کنونی با گسترش ارتباطات انسانی از طریق مهاجرت، رسانه‌های اجتماعی و جهانی شدن، موضوع هویت قومی رنگ و بویی تازه یافته است. تغییر و تحول شیوه‌ی زندگی مردم نه تنها باعث رشد و افزایش تعامل بین اقوام مختلف شده، بلکه فرصت‌های تازه‌ای برای پژوهش و مطالعه در حیطه‌ی فرهنگی و اجتماعی فراهم کرده است. برای نمونه، رشد هویت‌های قومی در جهان توسعه‌یافته با تکیه بر «خاص‌گرایی فرهنگی»، زمینه را برای «افزایش آگاهی قومی» فراهم کرده است. همچنین «رشد فناوری و وسایل ارتباط جمعی نیز عامل مهمی در رشد حرکت‌های قوم‌گرایانه در نظر گرفته می‌شود» (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۲).

از سوی دیگر، میزان انسجام و همبستگی اعضای چنین جوامعی نیز حائز اهمیت است. «انسجام اجتماعی به عنوان وضعیتی تعریف می‌شود که در آن اجزای تشکیل‌دهنده‌ی جامعه، به گونه‌ای به یکدیگر وصل می‌شوند که یک کل معنادار و موثر را به وجود می‌آورند» (خسرو گلستان و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۷۷). مطالعه‌ی انسجام و همبستگی در جوامعی که دارای تنوع قومی و فرهنگی هستند، مفهومی متفاوت از مطالعه‌ی انسجام در جوامعی است که از یکپارچگی قومی و فرهنگی برخوردارند. افراد با قرار گرفتن در گروه‌ها و جوامعی که با آن‌ها متفاوت هستند، واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند؛ به‌ویژه زمانی که این تفاوت‌ها ملموس بوده و به‌صورت آشکار نشان داده شود. ویژگی‌هایی از جمله زبان، پوشاک، شیوه‌ی زندگی و... می‌تواند جماعت‌ها را از یکدیگر جدا کرده و یا آن‌ها را درون خرده‌فرهنگ‌هایی محصور کند. چنانچه این خرده‌فرهنگ‌ها از سوی فرهنگ بزرگ‌تر و مادر احساس تبعیض کنند، ممکن است به سوی انزوا، بی‌تفاوتی و یا حتی تقابل با فرهنگ مادر بروند که در این حالت می‌تواند از خرده‌فرهنگ هم‌نوا با فرهنگ مادر به ضدفرهنگ در تضاد و تنش با آن تبدیل شود. بسیاری اوقات شناخت این خرده‌فرهنگ‌ها می‌تواند به برطرف شدن برخی احساس تبعیض‌ها، تنش‌ها، تضادها و... یاری رسانده و به تقویت انسجام اجتماعی در آن جامعه منجر شود. به سخن دیگر، از تبدیل این خرده‌فرهنگ‌ها به ضدفرهنگ پیشگیری کند.

در بین استان‌های ایران، مازندران به دلیل جاذبه‌های گردشگری و شرایط مناسب آب و هوایی، همواره مورد توجه اقوام مختلف بوده است. شهرهای این استان با وجود مساحت کوچک، همواره پذیرای مردمان آذری^۱، کرد، لر، عرب و... بوده‌است که به منظور ارتقای زندگی خود، بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی این منطقه و بازسازی تلفات و آسیب‌های ناشی از جنگ، خشکسالی و... به آنجا مهاجرت کرده‌اند. این تنوع قومی از آن جهت برای پژوهشگران علوم انسانی حائز اهمیت است که می‌تواند امکان مطالعه و پژوهش‌های عمیق‌تری در زمینه حفظ انسجام قومی و نحوه‌ی تعاملات اجتماعی اقوام مختلف با یکدیگر و در یک فضای مشترک را فراهم کند.

در میان اقوام گوناگون، حضور آذری‌ها در مازندران ملموس‌تر و مشهودتر است. چرا که به جز جمعیت قابل توجه آنان، این افراد عموماً هویت قومی، فرهنگی و زبانی خود را در ساختار اجتماعی و اقتصادی مازندران حفظ کرده و در برخی مشاغل خاص (همچون ساختمانی و نانوایی) حضوری پررنگ دارند. انسجام آذری‌ها و تعلق خاطرشان به هویت و زبان مادری، آن‌ها را قادر ساخته تا با وجود آمیختگی با سایر گروه‌های قومی، همچنان اجتماعات مخصوص به خود را حفظ کرده و انسجام اجتماعی‌شان را تقویت کنند. برای نمونه، بسیاری از نانوایی‌های شهرهای ساحلی و جلگه‌ای مازندران در اختیار آذری‌هاست و آن‌ها با داشتن مساجد و صندوق‌های

^۱ کاربرد واژه آذری در اینجا، بر پایه استفاده خود این افراد در اسناد رسمی است. آنگونه که «صندوق قرض‌الحسنه آذری‌های مقیم نوشهر»، «موسسه فرهنگی آذری‌های نوشهر» و... را ثبت کرده‌اند. اما در مصاحبه‌ها، خیلی از افراد خود را به‌عنوان «ترک» معرفی می‌کردند و خیلی نیز همزمان خود را آذری معرفی می‌نمودند.

قرض‌الحسنه و مشارکت فعال در انتخابات مجلس و شورای شهر، تاثیرگذاری قابل توجهی در جامعه‌ی بومی خود دارند. بنابراین مسئله پژوهش حاضر، فهم ارتباط میان انسجام درون‌قومی و تعامل بین‌قومی در شهرها و مناطق چندقومی همچون نوشهر است. پژوهش حاضر به درک بهتر نحوه همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام کمک می‌کند و در پی ارائه راهکارهایی جهت تقویت انسجام اجتماعی در جوامع چند قومی است.

پرسش‌های پژوهش

از ابتدای انجام این پژوهش، مهم‌ترین پرسشی که در ذهن پژوهشگران نقش بست این بود که:

- مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر انسجام آذری‌های مقیم نوشهر چیست؟

در کنار این پرسش اصلی و برای فهم بهتر موضوع، پرسش‌های فرعی دیگری نیز مطرح بود که البته همگی در ارتباطی تنگاتنگ با پرسش اصلی ایجاد شدند: آذری‌های مقیم نوشهر برای حفظ همبستگی خود از کدام ویژگی‌های بارز فرهنگی‌شان و به چه شکلی بیشترین استفاده را می‌کنند؟ آذری‌های مقیم نوشهر برای حفظ جایگاه و موقعیت اجتماعی خود از چه سیاست‌گذاری‌هایی یاری می‌جویند؟ مهم‌ترین اجتماعات مربوط به آذری‌های مقیم نوشهر کدام است؟ آذری‌های مقیم نوشهر عرق قومی و فرهنگی خود را به چه شکلی به نمایش می‌گذارند؟ و نهایتاً، این انسجام قومی چه اثراتی بر تعاملات و روابط آنها با بومیان نوشهر دارد؟

پیشینه پژوهش

در بررسی مفهوم انسجام در پژوهش‌های علوم اجتماعی به مفاهیمی مانند نظم و همبستگی توجه بیشتری نشان داده شده است (عرب‌پور و مهدی‌زاده، ۱۳۹۹؛ غنیمتی، ۱۳۹۵؛ جهانی‌نسب، ۱۴۰۱). پژوهشگران با تاسی از اندیشه‌ی دورکیم معتقدند بین نظم در جامعه و ایجاد همبستگی و انسجام رابطه وجود دارد؛ چراکه انسجام قومی بر پایه ارزش‌ها، هنجارها و تعاملات مشترک بین اعضا شکل می‌گیرد. بنابراین مبنای فکری دورکیم در بحث انسجام مکانیکی و ارگانیکی در این زمینه الهام‌بخش بوده است (جهانی‌نسب، ۱۴۰۱). در همین راستا، پژوهش‌های بسیاری هم در بحث سیاست‌گذاری مربوط به قومیت‌ها در جوامع متکثر انجام شده که عمدتاً به انسجام درون‌قومی و ارتباط آن با انسجام ملی توجه داشته است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ جعفرزاده‌پور و حیدری، ۱۳۹۳؛ مدرسی، ۱۳۸۴). در بسیاری از آن‌ها تکررگرای فرهنگی و به رسمیت شناخته‌شدن قومیت‌های موجود در جامعه مطرح شده، چرا که به باور این دسته از پژوهشگران، با به رسمیت شناخته شدن قومیت‌ها در جوامع، امکان رشد و بقا و افزایش انسجام برای آن‌ها فراهم می‌شود (صادقی‌زاده، ۱۳۹۷؛ غنیمتی، ۱۳۹۵). به نظر فرهمند و دیگران (۱۳۹۴) احساس تبعیض و بی‌عدالتی عموماً موجب شکل‌گیری قوم‌گرایی و تضعیف انسجام و همبستگی جامعه شده است. نکته مهم این است که «احساس تبعیض» لزوماً با وجود تبعیض یکی نیست و گاهی برخی پدیده‌ها و عوامل درونی یا بیرونی می‌تواند منجر به احساس تبعیض شود؛ در حالی که یا تبعیض مورد اشاره وجود ندارد یا آنکه علی‌رغم وجود، درباره آن بزرگ‌نمایی صورت گرفته است.

برخی از آخرین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه در زیر معرفی شده است.

خسروگلستان و همکارانش (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر انسجام اجتماعی»، عوامل تاثیرگذار بر انسجام اجتماعی را در قالب سرمایه اجتماعی و عدالت و تبعیض در جامعه، امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی بررسی کرده‌اند. جامعه مورد مطالعه، عرب‌های شهر اهواز بوده است. بنابر چارچوب نظری پژوهش، سلامت اجتماعی جامعه در میزان حس رضایتمندی و تلاش برای همبستگی اثرگذار است. طبق نتایج این پژوهش چهار عامل سلامت اجتماعی، امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی و سرمایه‌های فرهنگی بر میزان انسجام اجتماعی افراد در گروه‌های قومی اثرگذار است.

صادقی‌زاده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «الزامات سیاست‌گذاری فرهنگی اقوام» به‌طور موردی روی قوم کُرد کار کرده است. نویسنده پس از بررسی نتایج به‌دست‌آمده و تحلیل فرهنگ قومی در ذیل فرهنگ رسمی کشور، تقویت فرهنگ قومی را مرتبط با تقویت انسجام کلی کشور بیان کرده است. چرا که ارتباطات سازنده‌ی میان‌فرهنگی، تامین حقوق مدنی و شهروندی سایر مذاهب و قومیت‌ها، گسترش عدالت اجتماعی و خدمت‌رسانی برای همه اقوام لازم است تا با حفظ انسجام اقوام، انسجام کل جامعه در راستای اهداف سیاسی و سیاست‌گذاری رهبران جامعه تقویت یابد.

مصطفی زهیری‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی به گروه‌های مهاجر در شهر بندرعباس پرداخته و تلاش کرده میزان انسجام آنها با مردم این شهر را بررسی کند. یافته‌های او که نتیجه مطالعات کیفی و مصاحبه‌های عمیق است، نشان می‌دهد به دلیل مواردی همچون روابط و تعاملات اجتماعی میان مهاجران و بومی‌ها، ازدواج‌های بین گروهی و بالاخره فعالیت‌های اقتصادی مشترک، انسجام اجتماعی این دو گروه بالا و برجسته است. این پژوهش با مقاله حاضر از جهت بررسی انسجام گروه مهاجر با بومیان شهر مقصد، نزدیکی دارد.

فرهمند و همکارانش (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قوم آذری و کرد»، انسجام اجتماعی و مولفه‌های موثر بر آن را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که قوم آذری در مقایسه با قوم کرد انسجام اجتماعی بالاتری دارد. همچنین بین انسجام، عدالت اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، تحصیلات، شغل، درآمد و سن رابطه معناداری وجود دارد.

یعقوب فروتن (۱۳۹۰) به بررسی نقش مهاجرت در مناسبات هویتی پرداخته است. اگرچه پژوهش او به مهاجرت‌های بین‌المللی می‌پردازد، اما شیوه بررسی او قابل تامل در مهاجرت‌های داخلی هم هست؛ چرا که پرسش کلیدی پژوهش وی اینست که آیا مهاجرت به ایجاد تغییر در هویت منجر می‌شود؟ فروتن در این پژوهش بر هویت جنسیتی زنان مهاجر در بازار کار متمرکز شده و از نظریه کینگیسی دیویس جمعیت‌شناس سود برده است. او نشان می‌دهد که میزان این اثرگذاری بستگی به دو عامل «فاصله فرهنگی و اجتماعی بین مبدأ و مقصد» و نیز «مهارت‌های زبانی و مدت اقامت در جامعه مقصد» دارد.

محمدرضا کفاح جمشید (۱۳۸۲) به زمینه‌های انسجام ملی در آذربایجان ایران پرداخته است. او در این پژوهش، مواردی همچون تداوم سرزمینی، مذهب تشیع، ادغام اجتماعی ناشی از جریانات مهاجرتی و تقسیمات کشوری، ارتباطات، مشارکت در تحولات سیاسی کشور و برخی از دیگر عوامل فرهنگی را مهم‌ترین زمینه‌های انسجام ملی در میان آذری‌های ایران دانسته است. بیشتر این پژوهش‌ها در یک یا چند زمینه با پژوهش حاضر مشترک هستند. اما هیچ پژوهشی درباره هویت و انسجام قومی مهاجران آذری‌ها در دیگر شهرهای ایران انجام نشده است.

چارچوب نظری

بررسی فرهنگ قومیت‌ها به‌عنوان تشکیلات اجتماعی، نگاه جدیدی است که فردریک بارث در کتاب «گروه‌های قومی و مرزها» به آن پرداخته است. تا پیش از آن، قومیت‌ها به دلیل دارا بودن فرهنگ و سنن خاص مورد توجه قرار می‌گرفتند و مطالعات در این حوزه اساساً در همین موضوع خلاصه شده بود. بارث با نگاهی متفاوت، گروه‌های قومی را به منزله‌ی «تشکیلات اجتماعی» و منظم معرفی می‌کند که می‌توان مسائل متعددی اعم از هویت، سلسله مراتب اجتماعی، اقلیت‌ها، تغییرات فرهنگی، تکامل فرهنگی و انسجام را در این تشکیلات بررسی کرد. از نظر بارث گروه‌های قومی، دارای ساختار ویژه‌ای هستند که نتیجه‌اش شکل‌گیری فرهنگ مشترک بین اعضای آن گروه است و به‌واسطه‌ی آن از سایر گروه‌های قومی جدا می‌شوند. این مسئله باعث می‌شود گروه‌های قومی

را بر پایه ویژگی‌های مشترک‌شان شناسایی کرده و از یکدیگر متمایز کنیم. ویژگی‌های بنیادینی که باعث می‌شود بتوان گروه‌های قومی را از یکدیگر جدا کرد، همان ویژگی‌هایی است که اعضای یک گروه را به هم پیوند می‌دهد. افراد می‌توانند با تقویت آن ویژگی‌ها، ساختارهای تشکیلاتی منظم آفریده و با حفظ قدرت و منزلت خود چه در حیطه اجتماعی و چه در حفظ ارزش‌های فرهنگی، هویت‌شان را پاسداری یا تقویت کنند. بارث نشان داد که «تداوم گروه‌های قومی صرفاً یا لزوماً وابسته به داشتن سرزمین انحصاری نیست» (۱۳۹۷: ۲۳). هرچند که اعضای گروه‌های قومی به داشتن زیست‌بوم مشترک تمایل نشان می‌دهند، اما او نشان می‌دهد منظور از «مرز قومی» لزوماً مرز جغرافیایی نیست؛ بلکه بیشتر مرزهای اجتماعی و فرهنگی است. «با حفظ مرزهای قومی، موقعیت‌هایی برای تعامل اجتماعی افراد متعلق به فرهنگ‌های متفاوت پدید می‌آید: گروه‌های قومی تنها زمانی می‌توانند به منزله‌ی واحدهای معتبر و نیرومند استمرار یابند که خود را به تفاوت‌های رفتاری آشکار، به عبارتی دیگر، به تفاوت‌های فرهنگی پایدار مجهز کنند» (همان، ۲۴). به تعبیر بارث مرزهای قومی خطوط فرضی هستند که بین ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی اقوام تمایز قائل می‌شوند و به واسطه‌ی جدا کردن گروه‌ها از همدیگر، تاثیر ویژه‌ای در شکل‌گیری هویت و همبستگی یک قوم دارند. مرزهای قومی باعث می‌شوند که افراد احساس تعلق به یک گروه خاص داشته باشند و در تقویت هویت خود بکوشند. این مرزها، هویت‌های فرهنگی، اعتقادی، زبان و آداب و رسوم مشترک را تثبیت می‌کنند. همچنین مرزهای قومی می‌توانند به ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی در درون گروه‌های قومی کمک کنند. قدرت‌های سیاسی و نظام سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی نیز در حفظ انسجام اقوام موثر است. آن‌ها در تلاش‌اند تا بتوانند با استفاده از قدرت و نفوذ جمعی و اتحاد تشکیلاتی در برابر سلطه‌گران بایستند و منابع و حقوق شهروندی را که ناعادلانه توزیع شده است، به جایگاه عدالت برگردانند.

بنابراین بارث اشاره دارد که بسیاری از اجتماعات و قومیت‌ها در مجاورت یکدیگر ممکن است دچار رقابت‌هایی هم بشوند؛ زیرا مرزهای هویتی و فرهنگی برای خود مشخص می‌کنند که آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند (بارث، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۳). هر جا احساس برتری نژادی و یا قوم‌گرایی افراطی پیش بیاید، موجب برهم‌ریختگی نظم جمعی کل شده و تنش‌هایی را به همراه دارد. البته عوامل دیگری نیز در به‌وجود آمدن این تنش‌ها موثر است. برای نمونه، سلسله‌مراتب اجتماعی، احساس مالکیت بر منابع، احساس تبعیض و بی‌عدالتی اجتماعی می‌توانند در مواقعی بحران‌آفرین شوند و در مواقعی دیگر به تقویت همبستگی قومی و یا همبستگی کل بینجامند. این همبستگی رابطه‌ی متناسبی با نظم اجتماعی دارد. دورکیم در تبیین بحث نظم اجتماعی به بررسی این موضوع پرداخته است که چگونه میل به هماهنگی می‌تواند در برقراری و تقویت همبستگی اجتماعی اثرگذار باشد. «این تمایل به هماهنگی و فعالیت‌های مشترک با هم‌نوعان در جوامع امروزی و با رشد و گسترش مدرنیته در جهان، نه تنها هویت‌های خرد و کلان قومی و نژادی را به انزوا نبرده است، بلکه خود عاملیتی به ناپدید شدن مرزهای جغرافیایی بخشیده است» (احمدی، ۱۳۸۱). پس بهبوده نیست اگر بگوییم در حال حاضر مرزهای فرهنگی بر مرزهای جغرافیایی غالب شده است. در جوامع امروزی دیگر مرزهای جغرافیایی کارایی گذشته را ندارد. در هر سرزمینی امکان این وجود دارد که ویژگی‌های بارز فرهنگی افراد را دور هم جمع کند. شناسایی تفاوت‌های فرهنگی و ویژگی‌های نمادین آن‌ها، در بررسی آنچه بر انسجام فرهنگی و اجتماعی افراد تاثیرگذار شناخته می‌شود، اهمیت دارد.

بنابراین در پژوهش حاضر بر آنیم تا بر پایه همین دیدگاه نظری در باییم مهاجران آذری چگونه مرزهای قومی خود را در نوشهر پدید آورده‌اند و این مرزها کجا در تعامل و کجا در تقابل با همبستگی و انسجام با دیگر نوشهری‌ها می‌شود.

روش اجرای پژوهش

در مطالعه‌ی موضوعاتی مانند انسجام و هویت قومی که ریشه‌های فرهنگی دارند و برای دستیابی به نتایج بهتر، نیاز است تا تلاش کنیم به فهم و درک مردم مورد مطالعه نزدیک شویم. برای این کار، عموماً توصیه به استفاده از روش‌های کیفی می‌شود تا همچون ابزاری تسهیل‌گر، مسیر را برای رسیدن به نتایج پژوهش که همان فهم عمیق مسئله است، آسان کند. بنابراین پژوهش حاضر با روش کیفی و عمدتاً مطالعات میدانی همچون مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق به گردآوری داده پرداخته است.

جامعه آماری این پژوهش در ابتدا شامل کل آذری‌های نوشهر می‌شد. آمار دقیقی از شمار این افراد در دست نیست. از ۷ هزار تا ۱۰ هزار نفر بیان شده است. سپس با دریافت این نکته که عموم فعالیت‌های عمده و متمرکز آذری‌های نوشهر در اختیار مهاجران میانه‌ای است، طبیعتاً پژوهش حاضر نیز روی آن‌ها متمرکز شد. بررسی همه‌ی آذری‌هایی که در نوشهر ساکن هستند، از تیریزی و اردبیلی گرفته تا همدانی و زنجانی و اراکی، با توجه به زمان‌بندی پژوهش و اهداف آن، کاری تقریباً نشدنی بود. بنابراین از اشتباه‌گریز «میدان تحقیق خیلی گسترده» (کیوی، ۱۳۸۵: ۱۶۴) پرهیز کردیم. ضمن آنکه تمرکز بر آذری‌های میانه (که البته متمرکزترین تشکیلات و به بیانی دقیق‌تر، مرزهای قومی را در نوشهر دارند) امکان بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر مسئله و موضوع را فراهم می‌کرد. چراکه پژوهشگر اجتماعی «چنانچه تحلیل‌هایش را تنها روی یک اجتماع نسبتاً کوچک متمرکز کند، توفیق آن را پیدا خواهد کرد که تاریخ، کارکرد سیاسی، ساختارهای اجتماعی و تصورات فرهنگی و دینی آن را عمیقاً مطالعه کند» (همان: ۱۶۵).

پرسش‌های مصاحبه‌ها از دل مقالات فارسی مشابه که عموماً روی هویت قومی و انسجام فرهنگی اقوام، به‌ویژه آذری‌ها انجام شده بود در آمد. این پرسش‌ها در چهار مصاحبه اکتشافی به آزمون گذاشته شد و سپس با اصلاحاتی در آنها، در بقیه مصاحبه‌ها ادامه یافت. مباحث اصلی و طرح کلی پرسش‌ها در پنج محور تنظیم شد: نخست شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی از مشارکت‌کننده‌ها و مدت اقامت‌شان در نوشهر و فعالیت‌ها و معرفی اجتماعات‌شان بود. در مرحله‌ی دوم ویژگی‌های بارز فرهنگی‌شان و تفاوت‌های فرهنگی چشمگیر با فرهنگ بومی نوشهر بررسی شد. سوم اختلافات، نزاع‌ها و تنش‌هایی که به‌واسطه‌ی تفاوت‌های فرهنگی با بومیان نوشهر شاهدهش بوده‌اند. چهارم بررسی میزان مشارکت و اتحاد سیاسی و اهداف مدنظر افراد از این مشارکت مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً نوع و میزان تعاملات اجتماعی‌شان با دیگر ساکنان نوشهر بررسی شد.

از آنجا که میدان تحقیق پژوهشگران در جامعه‌ای قرار دارد که در آن زندگی می‌کنند، امکانات و دسترسی‌ها در رسیدن به سوژه‌های اصلی کمک‌کننده بود. بسیاری از نشانی‌ها و خیابان‌ها، اسامی قدیمی شهر و راه‌هایش، برای پژوهشگران نسبت به پژوهشگر غیربومی قابل فهم‌تر بوده است. در عین حال آشنایی اندک یکی از پژوهشگران و عدم آشنایی دیگر پژوهشگر با زبان ترکی آذری، حضور در میدان پژوهش و به‌ویژه مشاهده مشارکتی را کمی چالش برانگیز می‌کرد.

در بخش مشاهده مشارکتی، بیشترین حضور پژوهشگران در مناطق آذری‌نشین نوشهر (خیابان فردوسی جنوبی و محله گردکل) و مکان‌های خاص آنان همچون مسجد امام حسین، مسجد صاحب‌الزمان و به‌ویژه مراسم مذهبی در مسجد امام حسین بوده است. در ایام فاطمیه (در بخش زنان) و محرم (در بخش مردان) پژوهشگران بعضاً چندین روز و شب در عزاداری‌ها شرکت کردند تا نوع همکاری درون‌قومی برای برپایی این عزاداری‌های سنتی و عموماً به زبان ترکی آذری را از نزدیک مشاهده کنند. توصیفاتی که از این مراسم در بخش یافته‌ها آمده، نشان می‌دهد چگونه از مشاهدات مشارکتی برای فهم برخی ابعاد انسجام قومی آذری‌های نوشهر استفاده شده است.

در بخش مصاحبه‌های عمیق، به جای مطالعه‌ی کل جمعیت میدان، به مطالعه‌ی جمعیت نمونه بسنده شد. در پژوهش‌های میدانی انسان‌شناختی ثابت شده است که جمعیت نمونه می‌تواند مفاهیم قابل استنادی از جمعیت کل را ارائه دهد. «اگر تنوع زیاد

باشد، شاید به مشاهده یا مصاحبه‌های بیشتری نیاز باشد؛ ولی در گروه یک‌دست، مطالعه‌ی مصداقی یک نفر نیز ممکن است «نمونه» نمایایی باشد» (انگروزینو، ۱۳۹۶: ۱۱۶). در این پژوهش اگر جامعه آماری را آذری‌های میانه در نظر بگیریم، بنابراین با استناد به این فرض که آنها گروه منسجم و یک‌دستی هستند که از نظر جغرافیایی هم تا حد زیادی متراکم‌اند، می‌توانیم نمونه‌گیری را تا جایی ادامه دهیم که از نظر نتایج به دست آمده به اشباع نظری برسیم؛ به‌گونه‌ای که پاسخ‌های تازه‌تری به دست نیاوریم. افراد نمونه در ابتدا از مکان‌های شاخص مختص آذری‌های میانه (همچون مسجد امام حسین) آغاز شده و هم‌زمان هم به‌صورت تصادفی و هم به روش گلوله برفی از مغازه‌داران و مالکان و مشاغل آزاد و شرکت‌کنندگان در مراسم مساجد انتخاب شده‌اند. خوبی روش گلوله برفی آن بود که افراد بیشتر برای مصاحبه توسط افراد قبلی معرفی می‌شدند و از این طریق اعتماد مصاحبه‌شونده‌های بعدی از افراد پیشین جلب می‌شد. این اعتماد، عمق بیشتری به مصاحبه می‌داد. مصاحبه‌ها با مشارکت ۱۸ نفر به‌صورت مصاحبه‌های عمیق یا همان نیمه ساختارمند با شرط سنی بالای ۱۸ سال و مدت سکونت بیش از ۳ سال در نوشهر انجام شده است. ۱۵ نفر اهل میانه و سه نفر آذری غیرمیانه‌ای هستند. پاسخ‌های این سه نفر به فهم عمق مرزبندی‌های قومی یاری رساند. البته در کنار این مصاحبه‌های عمیق، با چند ده نفر از آذری‌ها هم گفتگوهای کوتاه و غیرساختارمند انجام شد، که در اینجا به آنها اشاره‌ای نمی‌شود. مشخصات مصاحبه‌شوندگان اصلی به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

شماره	نام و نام خانوادگی	جنسیت	سن	شغل	تحصیلات
۱	م ر	مرد	۳۵	فروشنده ابزار ساختمان	کارشناسی ارشد
۲	م ر	مرد	۶۰	استاد بنا	دیپلم
۳	م م	مرد	۶۵	استاد بنا	سیکل
۴	ن ق	مرد	۴۵	استاد بنا	ابتدایی
۵	ر ن	مرد	۵۰	استاد بنا	دیپلم
۶	ح ک	مرد	۴۷	کفاش	دیپلم
۷	س م	مرد	۳۹	نانوا	دیپلم
۸	ج ق	مرد	۵۵	استاد دانشگاه	دکتری
۹	ع م	زن	۲۲	دانشجو	کارشناسی
۱۰	م م	مرد	۵۶	کارمند موسسه	کارشناسی ارشد
۱۱	-	مرد	۴۸	میوه فروش	کارشناسی
۱۲	ه ق	زن	۵۰	روانشناس	دکتری
۱۳	-	زن	۱۸	کارمند داروخانه	دیپلم
۱۴	م س	زن	۳۸	خانه‌دار	کارشناسی
۱۵	ز م	زن	۴۵	خانه‌دار	دیپلم
۱۶	ا غ	زن	۳۸	خانه‌دار	سیکل
۱۷	ز غ	زن	۲۲	دانشجو	کارشناسی
۱۸	ص.ش	مرد	۴۰	مهندس	دکتر

۱۶ مصاحبه به صورت حضوری، یکی به صورت تلفنی و مورد آخر به صورت مجازی و از طریق تلگرام بوده است. صوت بسیاری از مصاحبه‌ها ذخیره شده است و در مواردی که پژوهشگر اجازه‌ی صوت برداشتن از مصاحبه را نداشته، یادداشت‌برداری از مطالب حین مصاحبه و یا پس از آن انجام شده است.

برای آماده‌سازی داده‌های به دست آمده از تحقیق میدانی در ابتدا متن مصاحبه به طور کامل و با جزئیات پیاده‌سازی و شرح داده شد؛ به طوری که چیزی از قلم نیفتاده باشد. سپس از میان اطلاعات به دست آمده، بخش‌هایی که پاسخ‌های اصلی به پرسش‌های پژوهش بود، در دسته‌بندی محتوایی قرار گرفت و با استفاده از جدول مقوله‌بندی شد. در آخر تحلیلی مضمونی از هر کدام از مقوله‌ها عنوان شد. در همه مراحل کار، دیدگاه نظری مرزهای قومی بارث مدنظر بوده است.

یافته‌های پژوهش

مطالعه‌ی حاضر با رویکردی انسان‌شناختی به بررسی انسجام درونی آذری‌های مقیم نوشهر پرداخته و سعی دارد عوامل فرهنگی و اجتماعی ناظر بر این انسجام را بررسی کند. این مطالعه و تحقیقات آن با تکیه بر آذری‌های میانه انجام شده است و شامل آن دسته‌ای می‌شود که سابقه‌ی حضور دست کم ۳ ساله را در نوشهر داشته‌اند؛ خودشان، پدران‌شان، و یا اجدادشان سال‌ها پیش به این شهر مهاجرت کرده و در اینجا ساکن شده‌اند. آنها پس از سال‌ها زندگی در نوشهر، روابط خانوادگی‌شان را گسترش داده، زاد و ولد کرده، بعضاً عروس و یا داماد هم‌تبار (آذری) یا بومی (نوشهری) گرفته‌اند. آنها کسب‌وکار خودشان را راه انداختند، اجتماعات مخصوص به خودشان را دارند. مساجد و صندوق قرض‌الحسنه خاص خودشان را درست کرده‌اند. با مشارکت فعال در انتخابات مجلس و شورای شهر، تاثیرگذاری قابل توجهی در جامعه‌ی بومی خود دارند. همچنان که بسیاری از مشاغل ساختمانی نوشهر در اختیار آنهاست. مجالس و گردهمایی‌های رسمی و غیر رسمی به زبان ترکی برگزار می‌کنند که از جانب مردم و برگزارکنندگان علاقه‌ی دوسویه نسبت به برگزاری و شرکت در آن وجود دارد. در بررسی آنچه موجب شده‌است تا آذری‌های نوشهر پس از گذشت سال‌ها و با وجود عوامل و موانع متعدد، همچنان اصالت و فرهنگ خود را حفظ کنند و جماعت‌های محلی‌شان را گسترش دهند به طور کلی به موارد زیر رسیدیم: جدایی‌گزینی سرزمینی، سنت‌های فرهنگی و زبان ترکی، مشارکت در فعالیت‌های جمعی درون‌گروهی، هزینه‌های مادی برای حفظ انسجام قومی، مشارکت در فعالیت‌های همگانی نوشهر و نهایتاً احساس تبعیض؛ که در ادامه به شرح و تفصیل هر یک از آنها به طور جداگانه می‌پردازیم.

عناصر مهم مرزبندی‌های قومی

الف) جدایی‌گزینی سرزمینی

مرزهای قومی در تعریف بارث (۱۳۹۷: ۲۳) مرزهای اجتماعی هستند؛ اگرچه توضیح می‌دهد که ممکن است این مرزها حالت سرزمینی هم داشته باشند. در همین راستا، مصاحبه‌شوندگان پژوهش حاضر از اینکه در گروهی عضویت پیدا کنند که نیاکان‌شان در گذشته با نیاکان آن گروه در یک سرزمین مشترک زندگی می‌کرده‌اند، احساس رضایت کرده و از آن تحت عنوان سرزمین مادری یاد می‌کنند. این پیوند عمیق تاریخی برای آنها بسیار ارزشمند است. آنها به قبیله و طایفه‌ی خود عرق دارند و در برگزاری اجتماعات‌شان ویژگی هم‌طایفه بودن را لحاظ می‌کنند. حتی الگوگیری از شیوه سکونت و معیشت قدیمی‌شان در میانه نیز در اینجا دیده می‌شود. مرد مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ می‌گوید:

من و مغازه کناریم سمت راست و چپ هر سه تا مال میانه-قره‌تپه هستیم. خیلی به هم نزدیکیم [...] مثل کوچ‌نشینان قدیم که دورتا دور چادر می‌زدند و همه با فاصله‌های خیلی کم از هم‌دیگر بودند، ساختمان‌های محلات الان هم به همان صورت است. یک نقطه‌ی محل خانه‌هاشان دورتا دور هم در یک فضای ۱۰۰۰-۱۵۰۰ متری است و مابقی همه زمین‌های زراعی است. همه در همان نقطه جمع‌اند و به همین خاطر حالت خانوادگی دارد. برای همین اعضای محل هر جای دنیا که باشیم خیلی به هم نزدیک هستیم.

برای سکونت در نوشهر با الگوگیری از شیوه‌ی سکونت طایفه‌ای در میانه، محله‌هایی را انتخاب می‌کنند که علاوه بر همسایگی با دیگر آذری‌ها، فامیل، قوم و خویش‌شان هم در آن محل ساکن باشند. مثلاً میانه‌ای‌ها در نوشهر بیشترشان در خیابان راه‌آهن قدیم (گردکل) و خیابان فردوسی جنوبی ساکن هستند. البته دیگر آذری‌ها هم عموماً نزدیک یکدیگر هستند. برای نمونه بیشتر اهالی سراب (عینی‌ها) در خیابان صنعت (موسی‌آباد)، مشکینی‌ها (اهالی مشکین‌شهر) در روستای نیرنگ، پارس‌آبادی‌ها در تازه‌آباد و... ساکن هستند. این مرزبندی جغرافیایی البته نه تنها میان آنها و نوشهری‌ها، بلکه میان خودشان هم جدی است. مرد مصاحبه‌شونده شماره ۷ می‌گوید:

ما در اجتماعات ترک‌هایی که اینجا ساکن هستند عضو نیستیم. آن‌ها میانه‌ای هستند و ما مال سراب هستیم. فرقی با نوشهری‌ها برای ما ندارند. ما با همدیگر مثل غریبه هستیم چون با هم هم‌محل نیستیم. ارتباط ما در حد سلام و احوالپرسی است نه رفت‌وآمد خانوادگی.

خانم مصاحبه‌شونده شماره ۱۶ هم که در مراسم مذهبی مسجد امام حسین (ع) شرکت کرده می‌گوید: «ما در مراسم مسجد ترک‌ها شرکت می‌کنیم، اما با آن‌ها فامیل نیستیم. ما مال پارس‌آبادیم و اینجا هیچ فامیلی نداریم. ولی این‌جا [مسجد] بقیه فامیل هستند و اصالتاً مال میانه‌اند».

در همین راستا، هر ساله برای ایام محرم و رمضان هم تلاش می‌کنند یک روحانی آذری را از قم به نوشهر دعوت کنند. اما در سال ۱۴۰۴ یک روحانی محلی (نوشهری) را دعوت کردند. در پاسخ به پرسش پژوهشگر، یکی از متولیان مسجد می‌گوید: «روحانی وقتی از خودمان باشد، نوحه و روضه ترکی می‌خواند. ترکی حرف می‌زند و بیشتر احساس نزدیکی می‌کنیم. اما چون هزینه رفت و آمد و اقامت و... زیاد می‌شد، امسال مجبور شدیم یک روحانی از همینجا بیآوریم».

حتی در شهر هم‌جوار، یعنی چالوس هم که شمار مهاجران آذری بسیار کمتر از نوشهر است، وضعیت مشابهی درباره جدایی‌گزینی جغرافیایی آذری‌های زنجان و همدان و... می‌بینیم.

ب) سنت‌های فرهنگی و زبان ترکی

در ویژگی‌های بارز فرهنگی آذری‌ها (همچون پوشاک، رقص محلی، موسیقی و...) چیزی که بیشترین تاثیر را در حفظ یکپارچگی مشارکت‌کننده‌ها داشت، زبان ترکی آذری بود که در ادامه به تشریح آن می‌پردازیم.

بارث (۱۳۹۷: ۲۱ و ۲۲) مضامین فرهنگی که یک قومیت را متمایز می‌کند را دو دسته می‌داند: نمادهای آشکار و جهت‌گیری‌ها ارزشی بنیادین. زبان ترکی برای آذری‌ها مهم‌ترین مولفه دسته نخست است. تقریباً همه آذری‌های ساکن نوشهر، چه میانه‌ای و چه اهالی دیگر نقاط آذربایجان، زبان ترکی آذری را بلدند و در زندگی روزمره هم عموماً به کار می‌برند. برای نمونه، نه تنها همه‌ی ۱۸ نفر از شرکت‌کنندگان زبان ترکی را بلد بودند، بلکه خانواده‌های‌شان هم بر زبان ترکی تسلط داشتند. حتی بر پایه مصاحبه‌ها، برخی از همسران غیربومی این خانواده‌ها (که عموماً نوشهری و بعضاً اهل شهرهای دیگر بودند) نیز تا حدودی ترکی را در محیط خانه فرا گرفته بودند؛ اگرچه نه در حد تسلط کامل. در مشاهدات میدانی پژوهشگران دریافتند که هرچه سن آذری‌های نوشهر بیشتر باشد، وابستگی‌شان به زبان ترکی نیز بیشتر است. برای نمونه بارها مشاهده شد که کودک یا نوجوانی از والدینش چیزی را به فارسی

می‌پرسید و به ترکی پاسخ می‌گرفت. اما لزوماً به معنای کم‌اهمیتی زبان ترکی آذری بری نسل جدید نیست. برای نمونه خانم مصاحبه‌شونده شماره ۹ این را مفصل توضیح می‌دهد:

ما ترک‌ها هر جا که باشیم عرق به زبان خودمان داریم و سعی می‌کنیم زبان‌مان را حفظ کنیم. هر جا هم بینیم کسی ترک است یا ترکی حرف می‌زند ناخودآگاه هوایش را داریم [...] مثلاً در مدارس اکثراً ترک‌ها با هم هستند. خیلی زود همدیگر را پیدا می‌کنند [...] عرق به زبان ترکی از کودکی در فرهنگ و تربیت ما بوده. یعنی زمانی به ما می‌فهمانند که تو ترک هستی، پس به خودت افتخار کن. ترکی حرف بزنی. محیط‌هایی که می‌روند همه ترک هستند. بچه‌ها خودشان علاقه دارند و خوش‌شان می‌آید. حتی اگر اینجا به دنیا آمده باشند بلد هستند ترکی حرف زدن را. ترکی حرف زدن ترک‌ها الآن بستگی به خانواده‌هایشان دارد. دیگر بعضی‌ها به خاطر مدرسه با بچه‌ها فارسی حرف می‌زنند که آنها هم یاد بگیرند در مدرسه به مشکل بر نخورند. توی درس‌هایشان تأثیر نگذارد.

در تایید گفته‌های او، مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ هم می‌گوید: «ما کلاً در خانه ترکی حرف می‌زنیم. دخترم هم خیلی زبان ترکی را دوست دارد. دائم می‌گوید کاش من را پارس‌آباد به دنیا می‌آوردی که وقتی مدرسه هم می‌رفتم ترکی حرف می‌زدم».

این احساس تعلق به زبان، گاهی شکل افراطی به خود می‌گیرد و وارد مباحث غیرمستند و اغراق‌آمیز می‌شود. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۸ که خود را مدرس دانشگاه هم معرفی می‌کند، می‌گوید: «[دلیل] عرق زبان ترکی بین‌المللی بودن آن است. هر جا بروی، ترکیه، آذربایجان، کشورهای مختلف می‌توانی گلیمت را از آب بیرون بکشی. هر جای دنیا بروی».

البته که این سخن غیرمستند است. مجموع کشورهای ترک‌زبان در جهان، ۶ کشور است که به جز ترکیه و جمهوری آذربایجان، ایرانیان ارتباط چندانی با چهار کشور دیگر (ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان) ندارند. ضمن آنکه تفاوت ترکی قزاقی، قرقیزی و... با ترکی آذری تا آنجاست که نمی‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. اما به هر حال نزدیکی زبانی آذری‌های ایران با ترکیه و مشاهده پیشرفت‌های این کشور، به نوعی به گسترش احساسات قومی آنها و تعلق خاطر بیشترشان به زبان ترکی دامن می‌زند (هاشمی مقدم، ۱۴۰۳). از سوی دیگر باید توجه داشت که دست کم در میان برخی از پاسخگویان، توجه زیاد به زبان ترکی ناخودآگاه است. برای نمونه خانم مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ می‌گوید:

من خودم خوشحال شوم، ناراحت شوم، لغت‌نامه‌ی من به آن احساسم بستگی دارد. کلاً لغت‌نامه‌ی فارسی از یادم می‌رود و ترکی می‌شود. کلاً اگر هیجانی بشوم فارسی از یادم می‌رود. هر زمان حالت تعادل داشته باشم فارسی هم می‌توانم حرف بزنم.

در دوران کنونی به دلیل نقش فضاهای رسمی و آموزشی در نوشهر، از جمله مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات، امکان اینکه آذری‌ها بخواهند به‌طور کامل ترکی حرف بزنند وجود ندارد و لازم است فارسی را هم بلد باشند. نکته جالب آنست که آنها غیر خودشان را به‌طور کلی «فارس» می‌نامند. خانواده‌ها به دلیل اهمیت کیفیت درس کودکان‌شان لازم می‌دانند تا با آنها فارسی حرف بزنند. هم‌چنین به دلیل ازدواج‌هایی که با غیر آذری‌ها انجام می‌شود (که در گذشته اینگونه نبوده) باعث شده که بعضاً زبان مازندرانی هم یاد بگیرند و یا بر روی فارسی حرف زدن‌شان هم تأکید کنند. اما زبان ترکی هم به دلیل عرق ترکی و هم به این دلیل که در بسیاری از فیلم و سریال‌های ترکیه‌ای رایج است، همچنان نسبت به یادگیری و به کاربردن آن تمایل وجود دارد.

با این همه، چیزی که در بین همه‌ی مشارکت‌کننده‌ها احساس می‌شود، تفاوت‌های بارز فرهنگی بین خودشان با بومیان منطقه بود. در این بین شماری از افراد، فرهنگ و آداب و رسوم خودشان را برتر می‌دانستند و شماری دیگر به سازوکارهای فرهنگ غیرخودی تمایل نشان می‌دادند. بخشی از گروه نخست، برای حفظ فرهنگ و سنت‌های خود، در تیرماه ۱۳۹۹ اقدام به راه‌اندازی «موسسه آذری‌های مقیم نوشهر» کردند که در صفحات بعدی بیشتر معرفی می‌گردد.

از سوی دیگر، تفاوت‌های فرهنگی بر برخی تعاملات فرهنگی آذری‌ها با نوشهری‌ها اثر می‌گذارد. برای نمونه، آذری‌ها برخلاف مازندرانی‌ها رسم ندارند که مخارج مربوط به پذیرایی از مهمانان در نامزدی و پاتختی برعهده‌ی عروس و خانواده‌اش باشد. در

ازدواج‌هایی که افراد با غیر از قوم و طایفه‌ی خود وصلت کرده بودند، بعضاً این مسئله دیده می‌شد که اختلاف بین زوجین یا اختلافات با خانواده‌ی همسر، ناشی از تفاوت‌های فرهنگی بوده و ریشه‌اش تفاوت‌های فرهنگی قومیتی است. در همین زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۱ که مرد ۳۵ ساله‌ای است می‌گوید:

من خودم با خانمی گیلانی ازدواج کردم و برادرم هم همینطور. دخترعمویم هم با مازندرانی ازدواج کرده. در کل آدم از قوم خودش ازدواج کند بهتر است. فرهنگ‌ها به هم نمی‌خورد و چالش‌هایی داریم و به سختی با آن کنار می‌آییم. به شخصه از اول با همسر صحت کردم و فرهنگ‌مان را گفتم و ایشان هم پذیرفته و کنار می‌آید. اما برادرم انگار برای همسرش سخت است که با فرهنگ ما کنار بیاید و مادرم از این موضوع ناراحت است. سر لباس پوشیدن و رفتارها و مسائل اخلاقی و حرف‌هایی که ما جرأت نداریم جلوی بزرگترهایمان اظهارنظر کنیم، ولی آن‌ها خیلی راحت بیان می‌کنند. مثلاً من با پدرم وقتی صحبت می‌کنم خانم من لام تا کام حرف نمی‌زند. من به او قبلاً گفته‌ام که باید اینطور باشد که وقتی پدرم حرف می‌زند کس دیگری حق ندارد اظهار نظر کند. پدرم شاید حتی بخواهد به من سیلی بزند؛ خانم من نمی‌تواند حرفی بزند. اما همسر برادرم راحت دخالت می‌کند و ما آن را خوب نمی‌دانیم. البته همه‌ی این‌ها باعث اجبار خانواده نمی‌شده که به خاطر ترک بودن با کسی که دوستش نداریم ازدواج کنیم.

اما دیدگاه بانوان آذری ساکن نوشهر در این زمینه آشکارا متفاوت است. تقریباً بیشتر مصاحبه‌شوندگان زن در این زمینه دیدگاهی متفاوت با مردان آذری داشتند. برای نمونه، خانم مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ که بانویی ۴۵ ساله است می‌گوید: «اینجا مردها کمتر به خانم‌ها توجه نشان می‌دهند. به همین دلیل احساس راحتی بیشتری داریم. در این ۱۶ سال ندیدم کسی به من حرفی بزند یا تیکه‌ای بندازد و مزاحمت ایجاد کند». همچنین خانم مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ نیز از زاویه‌ای دیگر به این پدیده تفاوت فرهنگی می‌نگرد: شهر خودم برایم آزاردهنده بود و اینجا احساس راحتی بیشتری دارم. از نظر اینکه آنجا فامیل‌های نزدیک‌مان بودند بهتر بود اما فرهنگ و آزادی اینجا خیلی بهتر است. هرچند که ما ترک‌ها هر جا که باشیم اصالت خودمان را حفظ می‌کنیم اما آزادی و راحت بودن مردم اینجا خیلی بهتر است.

در واقع به نظر می‌آید برخی مسائل فرهنگی مربوط به جنسیت، برای مردان آذری ساکن نوشهر، سنت و محترم است و برای زنان این گروه، محدودیت‌هایی که می‌توان در زمینه و فرهنگ نوشهر، تا حدودی از آن‌ها رهایی یافت.

ج) مشارکت در فعالیت‌های جمعی درون‌گروهی

بیشترین نمود این فعالیت‌ها را همانگونه که تاکنون چندین بار اشاره شد، می‌توان در مراسم مذهبی مسجد امام حسین (ع) و نیز عضویت در صندوق قرض‌الحسنه صاحب‌الزمان (عج) دید. اما بد نیست اشاره‌ای هم شود به «موسسه آذری‌های مقیم نوشهر» که در سال ۱۳۹۹ به صورت رسمی ثبت شد. در روزنامه رسمی، اهداف و دلیل شکل‌گیری این موسسه اینگونه معرفی شده است:

کلیه فعالیت‌های کانون غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیردولتی بوده و در موضوع با رعایت کامل قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و این اساسنامه فعالیت خواهد نمود. الفت و همبستگی و شناخت هرچه بیشتر اعضاء و ارتباط متقابل با اقوام دیگر، آشناسازی جوانان و فرزندان با تاریخ و فرهنگ اصیل نیاکان‌شان و ترویج آداب و رسوم، بهره‌گیری از امکانات موجود و استعدادهای بالقوه برای نیل به اهداف کانون.

البته این موسسه فعالیت چندانی نداشته و بنابر گفته مدیرعامل آن، بیشتر برای وجود و ثبت یک نهاد رسمی و قانونی شکل گرفته تا در مواقع ضروری بتواند برنامه‌های فرهنگی یا نشست‌های مشورتی و... برگزار کند.

همچنین مشارکت در فعالیت‌هایی همچون مراسم مذهبی و حمایت از برگزاری این مراسم را نیز می‌توان در همین چارچوب دید. برای نمونه، در حالی که حضور در نماز جماعت مسجد امام حسین حتی در ایام محرم به زور به تعداد انگشتان دو دست می‌رسد، اما مراسم عزاداری که تقریباً به فاصله نیم‌ساعت پس از نماز برگزار می‌گردد، با حضور پرشمار آذری‌هاست. توضیح نمونه‌ای از این مراسم در صفحات بعدی خواهد آمد. به شیوه‌های گوناگون برای حضور در این مراسم اطلاع‌رسانی می‌شود. برای نمونه،

مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ که بانویی ۳۸ ساله است می‌گوید: «برای مراسم امشب به ما زنگ زدند یا معمولاً پیام می‌دهند. معمولاً می‌گویند مراسم هست توی مسجد، جمع می‌شویم». حضور در مسجد منحصر به آذری‌هاست؛ عمدتاً میانه‌ای و ندرتا غیر میانه‌ای. آنگونه که هنگام حضور یکی از پژوهشگران در این مسجد، شخصی که قبلاً سلام و علیک ساده‌ای با او داشت، نزدش آمد و با تعجب پرسید: «تو هم ترکی؟». اگر روحانی آذری باشد (که عموماً در سال‌های پیش بود) سخنرانی و روضه هم به ترکی است. اما نوحه‌ها را قطعاً به ترکی می‌خوانند. بیشتر حاضران در مراسم مردانه هم پیراهن بلند مشکی (شبییه دشداشه عربی) به همراه یک کلاه سیاه پارچه‌ای به تن می‌کنند و زنجیر شخصی دارند برای مراسم زنجیرزنی. روز عاشورا از جلوی مسجد امام حسین زنجیرزنی شروع می‌شود و می‌روند به طرف مسجد صاحب‌الزمان. سپس با آنها ادغام شده و به طرف مسجد جامع در مرکز شهر (که محل تجمع دسته‌های عزاداری است) می‌روند.

همچنین عضویت در صندوق قرض‌الحسنه نیز در این راستا قابل ارزیابی است. در نبش جنوبی میدان فردوسی، تابلوی «صندوق قرض‌الحسنه صاحب‌الزمان آذری‌های نوشهر. تاسیس: ۱۳۷۴) خودنمایی می‌کند. بالای در ورودی این صندوق هم تابلوی «همدلی از هم‌زبانی بهتر است» که مصرعی از اشعار مولاناست دیده می‌شود. مدیر این صندوق که می‌گوید از زمان راه‌اندازی آن تاکنون خودش عضو هیئت مدیره و تک‌کارمند آنجا بوده، شماره اعضای آن تا تیرماه ۱۴۰۴ را ۶۸۰۰ نفر ذکر می‌کند که حدود نیمی از آنها آذری و نیم دیگر بومیان نوشهری هستند. تنها خدمتی که آنجا ارائه می‌شود، وام‌های کم‌بهره کم‌قیمت است. در هنگام مصاحبه، مبلغ این وام‌ها پنج میلیون تومان بود که هر عضو با پس‌انداز کردن مبلغ پانصد هزار تومان، پس از چند وقت می‌تواند این وام را دریافت کند. به قول خودش علی‌رغم آنکه فقط همین خدمت کوچک را عرضه می‌کنند، متقاضی عضویت در آن زیاد است. اما وجود یک صندوق قرض‌الحسنه به نام آذری‌ها، یک جور حس هویت به آذری‌های نوشهر می‌دهد.

د) هزینه‌های مادی برای حفظ انسجام قومی

میانه‌ای‌های نوشهر در برخی موارد با مشارکت اقتصادی و کمک کردن مادی در یک امر جمعی، همبستگی اجتماعی خود را تقویت می‌کنند. بسیاری از مشارکت‌کننده‌های پژوهش از مالکین و سرمایه‌گذاران اجتماعات مخصوص به آذری‌ها بودند. برای نمونه، تقریباً همه آذری‌های بالغ نوشهر، عضو صندوق قرض‌الحسنه خاص خودشان هستند. همین امر درباره ساخت و فعالیت دو مسجد مختص آذری‌های نوشهر هم صادق است. مساجد با کمک‌های مردمی و سرمایه‌گذاری اعضای همین گروه ساخته شده. بیشتر اهالی با توجه به توان مالی‌ای که داشتند، کم و بیش در ساخت این دو مساجد مشارکت داشتند. برای نمونه مشاهدات پژوهشگران از مراسم شب عاشورا در مسجد امام حسین در زیر می‌آید:

شنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۴، مسجد امام حسین (ع) نوشهر در خیابان فردوسی جنوبی.

در نماز جماعت، مجموعاً با پژوهشگر ۹ مرد شرکت کرده بودند. ۶ نفر بالای هفتاد سال و دو نفر حدوداً ۵۰ ساله. هیچ زنی در نماز جماعت شرکت نکرده بود. پیش‌نماز هم یکی از خودشان و البته غیر روحانی بود، با عبایی روی دوش. با پایان نماز، عموماً برای صرف شام به خانه رفتند. پژوهشگر مرد به همراه دو سه مرد میانه‌ای در مسجد ماندند. تقریباً نیم ساعت بعد، کم کم سر و کله مردم پیدا شد. امام جماعت هم که برخلاف سال‌های گذشته، این بار نه از روحانیون آذری ساکن قم، بلکه از روحانیون بومی نوشهر بود، آمد و بالای مجلس روی صندلی نشست. چند صندلی دیگر هم کنارش بود که پیرمردها نشسته بودند.

یکی از متولیان مسجد بلندگو را به دست گرفت و به ترکی آذری از مردم خواست که برای تداوم فعالیت‌های مسجد و به‌ویژه مراسم عزاداری ایام محرم، کمک و نذر کنند. یک دفترچه کوچک که ورقه‌هایش فیش کمک به مسجد بود هم کنارش داشت. یکی دیگر از متولیان هم کنارش نشسته بود. کم کم مردها شروع کردند به رفتن نزد او و هر کدام به فراخور توان مالی، مبلغی (بیشتر با کشیدن کارت و کمتر به صورت پول نقد) کمک می‌کردند و فیش آنرا دریافت می‌نمودند. مرد بلندگو به دست هم بدون اشاره به مبلغ، فقط به زبان ترکی

آذری اشاره می‌کند که: «آقای فلانی مبلغی کمک کرد. برای سلامتی خودش و خانواده‌اش صلوات بفرستید» و گاهی هم برای ارواح درگذشتگان طلب صلوات می‌کند. این مراسم نزدیک یک ساعت به درازا کشید. زنان که در طبقه بالای مسجد نشسته بودند هم نذری‌شان را عموماً یا به واسطه مردان خانواده پرداخت می‌کردند یا خودشان می‌آمدند جلوی در ورودی مردانه در طبقه پایین و به یک فرد معتمد می‌سپردند تا به دست متولی برساند. فضا و جو به گونه‌ای بود که همه خود را مکلف به کمک کردن می‌دانستند. احیاناً اگر کسی نمی‌خواست کمک کند، مورد توجه قرار می‌گرفت. پس از یک ساعت و پایان جمع‌آوری پول‌ها، حاج‌آقا روی منبر رفت و شروع به سخنرانی کرد...

به جز این، در موقعیت‌های دیگر نیز میانه‌ای‌های نوشهر به یکدیگر کمک مادی می‌کنند. برای نمونه بین آذری‌های میانه رسمی برای عزا وجود دارد به نام یاستاما. «یاستاما (یاس ساما) عبارت است از کمک مالی داوطلبانه خویشاوندان و دوستان به خانواده داغ‌دیده تا از فشار مالی برگزاری مراسم خاک‌سپاری و ترحیم بر این خانواده بکاهند» (سهند، ۱۳۹۱). طبق گفته‌های مشارکت‌کننده‌ها رقم مرسوم یاستاما در هنگام انجام مصاحبه‌ها حدود یک میلیون تومان-گاه کمتر یا بیشتر- است. در نظر مشارکت‌کننده‌ها یاستاما رسم خوبی است که مخصوص خودشان است و مشابه این رسم را چندان در فرهنگ جامعه‌ی بومی مشاهده نمی‌کنند. برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۷ می‌گوید:

از نظر من تبریز یک جور دیگر هست و اینجا یک جور دیگر. آنجا عزا و عروسی با اینجا فرق می‌کند. در عزا فرد یک‌هو می‌میرد و اتفاق ناگهانی است؛ پس همه برای خرج و مخارج عزا کمک می‌کنند. اما اینجا در عروسی بیشتر این کار دیده می‌شود.

او توضیح می‌دهد که در بین بومیان نوشهر، بیشتر در هنگام عروسی کمک مالی می‌کنند، در حالی که از نظر او عروسی چون بر پایه برنامه‌ریزی قبلی است، همه چیزش قابل پیش‌بینی است و خانواده عروس و داماد آمادگی لازم را دارند. در حالی که فوت افراد عموماً ناگهانی است و برای همین مهمتر است که در این مراسم به کمک مادی آنها شتافت.

مورد بعدی مشاغل مختص آنهاست. از کارهای مربوط به ساختمان‌سازی مثل گچ‌بری و بنایی و مشاغلی از این دست گرفته و تا معماری و عمران و فروشگاه‌های مصالح ساختمانی و ابزارهای ساختمان در نوشهر مختص آذری‌هاست. همچنانکه بسیاری از نانوائی‌ها در نوشهر، چالوس و دیگر شهرهای مازندران در اختیار مازندرانی‌هاست. بسیاری از آذری‌ها وقتی دربار مشاغل‌شان از آنها سوال می‌شود، به همین موارد اشاره می‌کنند.

ه) مشارکت در فعالیت‌های همگانی نوشهر

آذری‌ها در کنار فعالیت‌های خاص خودشان که مرزهای قومی را نشان می‌دهد، به چند دلیل در فعالیت‌های همگانی نوشهر نیز در کنار بومیان مشارکت می‌کنند. نخست، به نظر می‌آید این حرکات تلاشی است در تقابل با احساس نادیده گرفته شدن. در واقع این احساسات از یکسو می‌تواند آنها را بیشتر به اجتماعات قومی‌شان سوق داده و مرزهای قومی را پررنگ‌تر نماید و از سوی دیگر، می‌تواند به تلاش برای به دست آوردن آنچه حق خود می‌دانند، از طریق رقابت یا همکاری با جامعه بومی بکشانند.

برای نمونه در هنگام برگزاری انتخابات شورای شهر یا نمایندگی مجلس، معمولاً رأی آنها مورد توجه کاندیداهاست. برای همین برخی کاندیداها در ایام انتخابات یا نزدیک به آن، با حضور در مساجد آنها (به‌ویژه در ایامی که به دلیل درگذشت یکی از آذری‌ها شلوغ باشد) تلاش می‌کنند بخشی از آراء آنها را به سبد رأی خود جذب کنند.

البته گاهی نیز خود آذری‌ها کاندیدای مستقل معرفی می‌کنند. برای نمونه آنها در شورای شهر پنجم و ششم، صادق شیرچنگ را به این شورا فرستادند. همین شخص در آخرین انتخابات نمایندگی مجلس (اسفند ۱۴۰۲) نیز شرکت کرد که از میان ۲۴ کاندیدای تأیید صلاحیت‌شده حوزه انتخابیه نوشهر، چالوس و کلاردشت، موفق به کسب حدود شش هزار رای شد و جایگاه پنجم را به دست آورد (نفر نخست، بیش از ۲۷ هزار رای به دست آورده بود). در زمینه حمایت آذری‌ها از او، خانم مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ می‌گوید:

آقای شیرجنگ که کاندید شده بود ما حمایتش می‌کردیم. انتظار نداشتیم ارزش که برای ما ترک‌ها کار خاصی انجام بدهد. چون بعد یک زمان کس دیگر رای بیاورد از ترک‌ها نباشد نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم فرق نگذارد. نه وعده و وعید آنچنانی داد و نه ترک‌ها ارزش درخواست خاصی داشتند. البته یک سری‌ها از سادگی و گرفتاری‌شان مسائل‌شان را مطرح کردند که فلان جا فلان کار ما را راه بینداز [...] ولی بیشتر هم‌محلای‌های ما به خاطر ترک بودن مان به نماینده‌ی ترک رای دادند.

البته با توجه به اینکه جمعیت واجد شرایط رأی‌دهی آذری‌های نوشهر و چالوس کمتر از این تعداد است، به نظر می‌آید بخشی از آراء وی به واسطه حمایت از سوی انجمن نظام مهندسی استان، و نیز همراهی دوستان و آشنایان غیر آذری بوده باشد. آذری‌های ساکن نوشهر از آن‌جایی که کلاً جماعت منسجمی هستند، بنابراین از انسجام قومی خودشان استفاده کردند و به اتحادی که داشتند تکیه دادند. بنابراین توانستند در ۲ دوره در شورای شهر نوشهر نماینده داشته باشند. حمایت آذری‌ها از نماینده قوم خود در درجه اول به عرق آنها بازمی‌گردد. در شهری که مهاجر حساب می‌آیند احساس عرق قومی باعث شده به این واسطه به هم‌شهری خود افتخار کرده و احساس پیروزی به آن‌ها دست بدهد. البته آن‌ها برای رسیدن به خواسته‌های خود با نماینده‌های غیر آذری نیز همکاری می‌کنند و این، موضوعی دوسویه است؛ یعنی همانگونه که پیشتر بیان شد، کاندیداهای بومی نوشهر نیز برای به دست آوردن آراء نسبتاً قابل توجه آذری‌ها، به آن‌ها مراجعه کرده و تلاش می‌کنند. برای نمونه، مصاحب‌شونده شماره ۲ که مرد ۶۰ ساله‌ای است می‌گوید:

موقع انتخابات که می‌شود نماینده‌ها به مسجد می‌آیند. در خانه‌ها می‌آیند. ما حمایت می‌کنیم. غیر آذری هم بوده، رای دادیم و حمایت کردیم. اینجوری نیست که بگوییم فقط از ما باشد. و ما اکثراً حمایت می‌کنیم و رای می‌دهیم. تکی هم رای نمی‌دهیم.

و) احساس تبعیض

یکی از دلایلی که انسجام درون‌گروهی آذری‌های نوشهر را تقویت می‌کند، احساس تبعیضی است که دارند. البته تقریباً بیشتر پاسخگویان اشاره داشتند که این تبعیض چند دهه قبل که تازه آذری‌ها داشتند به نوشهر می‌آمدند، بیشتر بود؛ اما اکنون به دلیل روابط فراوان با بومی‌ها و ازدواج‌های زیاد بین این دو گروه قومی، این تبعیض‌ها هم کمتر شده است. برای نمونه، خاطره‌ای که در ذهن بسیاری از آنها نقش بسته یا توسط بزرگ‌ترها برای‌شان نقل شده، به درگیری حدود ۳۵ سال پیش بین کارگران ساختمانی آذری و نوشهری مربوط می‌شود. تنش و درگیری که بالا می‌گیرد، نیروی انتظامی وارد می‌شود. از اینجا به بعد، روایت آذری‌ها حاکی از احساس تبعیض است. به باور آنها، نیروی انتظامی و نظام قضایی نوشهر چون خودشان بومی بودند، جانب بومی‌ها را می‌گیرند و چند تن از آذری‌ها را بازداشت می‌کنند. نهایتاً خبر به گوش نماینده وقت شهر می‌رسد و با ورود ایشان به موضوع، ماجرا فیصله می‌یابد. مصاحب‌شونده شماره ۸ که مردی ۵۵ ساله است در این باره می‌گوید:

الان را نگاه نکنید. قدیم چوب برمی‌داشتند و جدل می‌کردند. قدیم کارگرهای ما بودند با یک قومی [=گروهی] از نوشهری‌ها دعوا کرده بودند. پاسگاه اینجا و نماینده اینجا این‌ها را زندان انداخته بود. این‌ها درایت کردند سریع [به] میانه خبر دادند. نماینده میانه آمد اینجا. دادگاه را زیر سوال برد و آنجا مردم من فهمیدند این یک دست بودن انقدر تاثیر دارد.

به جز این مورد، تقریباً هیچ تنش جدی دیگری بین بومی‌ها و آذری‌ها پیش نیامده. اگرچه هنوز برخی از آنها همچنان احساس تبعیض دارند. مصاحب‌شونده شماره ۲ که مردی ۶۰ ساله است این مسئله را اینگونه شرح می‌دهد:

اینجا ما از چیزی ناراضی نیستیم. فقط یک چیزی که خیلی مهم هست برای ما این است که الان ما خیلی باسواد زیاد داریم که دانشگاه‌شان را تمام کردند. ولی متأسفانه اجازه نمی‌دهند ماها در بانک و اداره‌جات داخل بشویم. بچه‌های ما داخل بشوند. الان قومیتی شده. الان فلان آقا مثلاً در بانک بخواهد جایگزین بشود فوراً فامیل خودش را می‌آورد. آگهی نمی‌دهند یک نفر بیاید امتحان بدهد ببینند قبول می‌شود یا نه. که آذری‌ها هم مثلاً بتوانند بیایند شرکت کنند. اکثراً فامیلی شده اینجا.

اما بیشتر پاسخگویان به این باور رسیده‌اند که این تبعیض‌ها روز به روز دارد کمرنگ‌تر شده و نوشهری‌ها آنها را به‌عنوان عضوی از جامعه خود پذیرفته‌اند. برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ که بانویی ۵۰ ساله است می‌گوید:

آن اوایل [...] زمان پدران ما مردم نمی‌پذیرفتند آذری‌ها را. این باعث شد که خودشان با همدیگر به یک هم‌جوشی برسند [...] انگار که یک تجمعی را داشتند از لحاظ سکونتی که بخواهند به آن امنیت برسند. این موضوع الان کمتر شده. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین آذری با مازندرانی بیشتر شده است. [مثلاً] من خودم روان‌شناس هستم و در دانشگاه تدریس می‌کنم. در حیطه کاری خودم مشکلی نداشتم. در این سال‌هایی که سابقه‌ی کاری داشتم و از نام فامیلی‌ام معلوم است [که آذری‌ام] پیش نیامده که به مشکل بر بخورم و یا اینکه چون آذری هستم من را نپذیرند.

بارث (۱۳۹۷) تعامل دو گروه قومی هم‌جوار را در سه حالت نشان می‌دهد:

۱- آنها زیست‌گوشه‌های طبیعی کاملاً متمایزی را تسخیر می‌کنند و در نتیجه رقابت‌شان بر سر منابع به حداقل می‌رسد. در این صورت، با وجود هم‌زیستی در یک ناحیه به هم وابستگی آنها کم و تعامل‌شان عمدتاً محدود به حوزه داد و ستد و شاید حوزه آیین‌ها و مناسک خواهد بود. ۲- آنها قلمروهای مجزایی را به انحصار خود در می‌آورند و در نتیجه وارد رقابت بر سر منابع می‌شوند. در این صورت، تعامل آنها در حوزه سیاسی در نواحی هم‌جوار و شاید در برخی حوزه‌های دیگر خواهد بود. ۳- گروه‌های مزبور ممکن است کالاها و خدمات ضروری به یکدیگر عرضه کنند. به عبارت دیگر ممکن است زیست‌گوشه‌های متقابل و متفاوت را تسخیر کنند، اما همچنان به هم وابستگی بالایی داشته باشند [...] اگر با هدف انحصار بر وسایل تولید وارد رقابت شوند و نهایتاً پس از کنترل یکی از آنها بر وسایل تولید با هم به سازش برسند، در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی تعامل نزدیک خواهند داشت و امکان ایجاد انواع دیگر به هم وابستگی نیز فراهم خواهد شد (بارث، ۱۳۹۷: ۳۰ و ۳۱).

به نظر می‌آید حضور آذری‌ها در نوشهر، کمابیش و با اندکی تسامح، هر سه حالت بالا را به ترتیب طی کرده باشد. آنان در بدو ورود به این شهر، در محله‌ای جدا (فردوسی جنوبی) گرد آمدند و روابط درون‌گروهی‌شان مانع از هم‌زیستی با بومیان بود. اما اندک اندک به‌واسطه حضور گسترده در برخی مشاغل (به‌ویژه در حوزه ساختمانی) با بومی‌ها وارد رقابت و گاه تنش شدند. نهایتاً با گسترش روابط اجتماعی و سیاسی‌شان با بومیان، به تعامل و وابستگی متقابل رسیدند.

نتیجه‌گیری

با توجه به تغییرات اجتماعی و وارد شدن جوامع به عرصه‌های رقابت جهانی، اینگونه تصور می‌شد که هویت‌های قومی دارای شاکله سنتی، کمرنگ شده و جوامع به سمت یکپارچگی و درهم‌آمیختگی بروند. اما آنچه از نتایج پژوهش‌هایی همچون پژوهش حاضر به دست می‌آید، نشان می‌دهد که قومیت‌ها برای حفظ هویت خود تلاش کرده و میان خود با دیگر گروه‌های قومی، مرزبندی ایجاد می‌کنند. آذری‌های مقیم نوشهر و به‌ویژه اهالی میانه، عرق ویژه‌ای در معرفی هویت خود به‌عنوان آذری دارند. بسیاری از آنها در معرفی هویت خود، اشاره به این قومیت کرده و به آن افتخار می‌کنند. این جدایی‌گزینی و مرزبندی با دیگر گروه‌های قومی، منتج از عضویت در گروه قومی خودی است.

به‌طور کلی عوامل فرهنگی، سنت‌ها، ویژگی‌های خاص یک قوم و آداب و رسوم‌شان، قواعد نانوشته‌ای هستند که افراد با تکیه بر آنها با گروه‌های قومی خود احساس هم‌سویی می‌کنند یا با دیگر قومیت‌ها مرزبندی می‌کنند. در میان آذری‌های نوشهر، این مرزبندی قومیتی با مرزبندی جغرافیایی نیز همراه است؛ به گونه‌ای که تقریباً همه این گروه قومی در محلاتی همچون فردوسی جنوبی و گردکل متمرکز شده‌اند. همچنانکه در برخی مشاغل همچون ساختمان‌سازی، بنایی و نانوایی نیز حضور برجسته و پررنگی دارند. آنان برای حفظ این انسجام قومی که ناخواسته به مرزبندی با بومیان نوشهر می‌انجامد، فعالیت‌های عمده دیگری هم دارند که

حمایت مادی از فعالیت‌های جمعی (همچون کمک به ساخت مسجد آذری‌ها و نیز پرداخت هزینه برگزاری عزاداری مذهبی)، تلاش برای حضور در ساختار سیاسی و اجتماعی نوشهر (همچون حمایت از کاندیدای هم‌قومی خود و فرستادن وی به شورای شهر)، راه‌اندازی موسسه فرهنگی برای حفظ میراث نیاکان و... برخی از آنهاست.

بخشی از این فعالیت‌ها، ناشی از احساس نیاز به مرزبندی قومی است و بخشی دیگر ناشی از احساس تبعیضی که دارند. این احساس تبعیض در گذشته و بدو ورود و سکونت آذری‌ها در نوشهر، قوی‌تر بود. اما در سال‌های اخیر و با گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی آذری‌ها با بومیان نوشهر، کمتر شده است.

از سوی دیگر، تاکید بر حفظ سنت‌های قومی از سوی همه آذری‌ها به یک میزان صورت نمی‌گیرد. برای نمونه، نتایج این پژوهش نشان داد زنان مهاجر آذری از فضای نسبتاً بازتر اجتماعی و فرهنگی نوشهر استقبال کرده و بدین وسیله از محدودیت‌های فرهنگ مردسالارانه‌تر خود تا حدودی رهایی می‌یابند. همچنین اگرچه این تفاوت‌های فرهنگی بعضاً خود را در ازدواج‌های برون‌گروهی میان آذری‌ها و نوشهری‌ها نشان می‌دهد، اما به احتمال زیاد اندک‌اندک بخش زیادی از این تفاوت‌های فرهنگی کمرنگ شود. در نقطه مقابل، همچنان بخشی از این تفاوت‌ها در مولفه‌ها و عناصر فرهنگی-هویت‌محور مهم، به‌ویژه در مواردی همچون زبان ترکی، باقی بماند. به‌ویژه آنکه اکنون شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های همگانی به تقویت چنین عناصری (در اینجا مشخصاً زبان ترکی) یاری می‌رساند. در عصر مدرن و با افزایش سرعت رشد تکنولوژی، آذری‌های مقیم نوشهر هم از آن بی‌نصیب نمانده‌اند و از شبکه‌های مجازی و اینترنت برای اطلاع‌رسانی برنامه‌ها و برای به نمایش گذاشتن هویت‌شان استفاده کرده‌اند. آن‌ها با حمایت از همدیگر چه در فضای مجازی و چه در روابط حقیقی این همبستگی را در نظر خود و سایر شهروندان به نمایش گذاشته‌اند.

موضوع انسجام قومی آذری‌های مهاجر در نوشهر و عوامل موثر بر آن، با مفاهیم نظری بارت با تاکید بر مرزهای قومی و فرهنگی مطابقت دارد. ویژگی‌های بارز هویت قومی که آن‌ها را از سایر گروه‌ها و قومیت‌ها جدا می‌کند، خود عامل مهمی در شکل‌گیری اجتماعات و همبستگی بین اعضای آن است.

این پژوهش صرفاً با تکیه بر دیدگاه خود آذری‌های مهاجر انجام شده بود. برای پژوهش‌های بعدی درباره این موضوع، پیشنهاد می‌شود دیدگاه مردم بومی نوشهر نیز سنجیده شود.

میزان مشارکت نویسندگان

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی مردم‌شناسی نویسنده اول با راهنمایی نویسنده دوم در دانشکده میراث فرهنگی دانشگاه مازندران بوده است.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۱). جهانی شدن؛ هویت قومی یا هویت ملی؟. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۱(۱)، صص: ۱-۲۲.
- انگروزی‌نو، مایکل (۱۳۹۶). *درآمدی بر مردم‌نگاری*. جبار رحمانی و محمد رسولی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- بارت، فریدریک (۱۳۹۷). *گروه‌های قومی و مرزها: ساختار اجتماعی تفاوت‌های فرهنگی*. ترجمه محدرضا فدایی، تهران: شیرازه‌ی کتاب ما.
- بیگدلو، مهدی (۱۳۹۸). انسجام قومی در استان سیستان و بلوچستان و رابطه آن با مشارکت سیاسی در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری اسلامی ایران. *بحران پژوهی جهان اسلام*، ۴(۴)، صص: ۱۴-۳۱.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده؛ حیدری، حسین (۱۳۹۳). *فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران*. *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ۱۱(۲)، صص: ۶۳-۹۶.

- جهانی‌نسب، احمد (۱۴۰۱). بررسی مفهوم «همبستگی اجتماعی» در آراء و اندیشه‌های ابن خلدون و امیل دورکیم. *فصلنامه علمی-پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۱(۱)، صص: ۱۷۷-۱۴۹.
- خسرو گلستان، سمیه؛ آقاجانی مرساء، حسین؛ آقائی، سید سعید (۱۴۰۰). واکاوی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر انسجام اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۲۹ ساله جامعه شهری اهواز). *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*. ۳۰(۴)، صص: ۱۸۰-۱۷۶.
- ربانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ حاجیانی، ابراهیم؛ میرزائی، حسینعلی (۱۳۸۷). بررسی رابطه هویت قومی و ملی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی: مطالعه موردی دانشجویان آذری، کرد و عرب. *مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۴)، صص: ۳۳-۷۰.
- زهیری‌نیا، مصطفی (۱۳۹۵). گروه‌های مهاجر شهر بندرعباس، فصلنامه مطالعات ملی، ۴(۴)، صص: ۱۳۳-۱۴۴.
- سهند، یاس ساما (یاستاما) یک امر پسندیده و نیک است. *ویلاگ پاراسس*. دسترسی در ۱۲ خرداد ۱۴۰۴. بازیابی شده از <http://parasas.blogfa.com>
- صادقی‌زاده، کسری (۱۳۹۷). الزامات سیاست‌گذاری فرهنگی اقوام: راهبردهای برگرفته از اسناد بالادستی و دیدگاه‌های ذینفعان (مطالعه موردی قوم کرد). *راهبرد فرهنگ*، ۲(۲)، صص: ۸۷-۱۲۲.
- ظفرعبدالله‌زاده، فوآد؛ رسولی، محمد رضا؛ شیرینی، طهمورث (۱۳۹۹). رسانه‌های اجتماعی و چالش‌های هویت قومی در ایران. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳(۴)، صص: ۱۷۵-۱۴۷.
- عرب‌پور، الهام؛ مهدی‌زاده، شراره (۱۳۹۹). فراتحلیل مطالعات نظم و انسجام اجتماعی در ایران. *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۱۷(۲)، صص: ۷۳-۱۱۳.
- غنیمتی، حسن (۱۳۹۵). الگوهای مدیریت تنوعات فرهنگی و مذهبی و رابطه آن با شورش و انسجام. *فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی*، ۱۱(۳)، صص: ۶۳-۹۲.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۰). بررسی اجتماعی و جمعیت‌شناختی مناسبات هویت و مهاجرت، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۵۰(۱۳)، صص: ۷۳-۹۶.
- فرهمند، مهناز؛ سعیدی مدنی، سیدمحسن؛ سهندی خلیفه‌کندی، مهناز (۱۳۹۴). مطالعه‌ی تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کرد (مورد مطالعه: شهرهای سنندج و تبریز). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۱)، صص: ۱۲۲-۹۵.
- فکوهی، ناصر؛ عیاری، آذرنوش (۱۳۸۴). اینترنت و هویت در پنج هویت قومی ایرانی، *مجله رسانه جهانی*، ۴(۱)، صص: ۱-۲۶.
- کفاش جمشید، محمدرضا (۱۳۸۲). زمینه‌های انسجام ملی در آذربایجان ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۶(۴)، صص: ۱۸۵-۲۱۵.
- کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک‌وان (۱۳۹۶). روش تحقیق در علوم اجتماعی. دکتر عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۴). *پلورالیسم قومی-زبانی و هویت ملی. نامه‌ی انسان‌شناسی*، ۱(۷)، صص: ۱۴۶-۱۲۹.
- هاشمی‌مقدم، امیر (۱۴۰۳). این حق ما نیست! ملی‌گرایی از راه دور گردشگران ایرانی در ترکیه. *گردشگری فرهنگ*. ۱۹(۵)، صص: ۳۵-۲۶.